

## از گوشه و کنار

نماینده مجلس در گفت و گو با ایلنا:

## اراده‌ای برای حل آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد

نماینده مردم خدابنده در مجلس شورای اسلامی گفت: متأسفانه در زمینه آسیب‌های اجتماعی سازمان‌های مختلفی در حال موازی کاری هستند و من فکر می‌کنم آنچه‌آن اقدام‌های برای حل آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد وجود ندارد. احمد بیگدلی در گفت و گو با ایلنا تصریح کرد: در حال حاضر در تهران اگر بخواهیم یک نان سنگک خریداری کنیم، حداقل نیم ساعت طول خواهد کشید، ولی برای تهیه مواد مخدر در برخی مناطق زمان کمی لازم است و این معضل اصلی کشور است. او افزود: در زمینه آسیب‌های اجتماعی سازمان‌های مختلفی در حال موازی کاری هستند. متأسفانه آموزش و پرورش و صداوسیما هیچ نقش مثبتی در رفع معضل اعتیاد ندارد. به نظر من عامل اصلی این مشکل، مسائل اقتصادی و بیکاری است. وی با اشاره به اینکه دولت باید از طریق آموزش و پرورش برای مقابله با اعتیاد اقدام کند، گفت: مسیر را در آموزش و پرورش اشتباه طی کرده‌ایم. در مدارس هیچ چیزی از مسائل زندگی به دانش‌آموزان آموزش نداده‌ایم.

## اعلام شرایط ارائه طرح ترافیک به معلولان



معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور جزئیات طرح ترافیک معلولان را تشریح کرد. به گزارش ایسنا، محمد نوری در نشست خبری دیروز سازمان بهزیستی کشور گفت: سهمیه معلولان امسال به ۲۴۰ مورد کاهش یافته و قرار است طرح ترافیک امسال به شکل روز شمار تخصیص داده شود. سازمان بهزیستی در تلاش است تا با مذاکره در این خصوص این سهمیه را افزایش دهد. وی بیان اینکه سهمیه مذکور به معلولانی که شرایط دریافت آن را داشته باشند تعلق می‌گیرد، یادآور شد: طرح ترافیک معلولان عمدتاً به معلولان شدید که در منطقه طرح ترافیک ساکن هستند تعلق می‌گیرد. به گفته وی این سهمیه با تخفیف ۹۰ درصدی در اختیار معلولان قرار می‌گیرد.

## تا پایان اردیبهشت انجام می‌شود پرداخت حق پرستاری جانبازان بالای ۷۰ درصد



معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: طبق اطلاعاتی که به دست آمده است حق پرستاری حدود یک هزار و ۲۰۰ جانباز بالای ۷۰ درصد که در ماه فروردین به حساب آن‌ها پرداخت نشده بود، تا پایان اردیبهشت ماه به حساب آن‌ها واریز می‌شود.

محمود پاکدل در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی ایرنا در پاسخ به این پرسش که اعتراضاتی وجود دارد که ۵۰ هزار تومان از حقوق برخی ایثارگران کسر شده و حق پرستاری برخی ایثارگران نیز قطع شده است، افزود: این موضوع صحت ندارد بلکه موضوع نیم کای حق پرستاری بوده است.

وی اضافه کرد: بنیاد شهید در بهمن و اسفند پرداخت این نیم کای خانواده‌های جانبازان را پرداخت کرده بود که در فروردین ماه از سیستم حقوق دستمزد که از سیستم سجایا (سامانه جمع‌آوری اطلاعات ایثارگران) اطلاعات می‌گرفت، این نیم کای حذف شد که در اردیبهشت ماه دوباره پرداخت می‌شود.

طبق آمار، شمار پدران شهیدان ۴۹ هزار و ۵۷۲ نفر و مادران شهیدان ۱۰۶ هزار و ۳۹۱ نفر است.

پاکدل ادامه داد: نیم کای معادل حق پرستاری والدین شهیدان و جانبازان ۵۰ درصد حداقل حقوق طبق قانون کار است که بنیاد شهید این مبلغ را به این خانواده‌ها پرداخت می‌کند.

پاکدل افزود: مجموع پرداختی‌های بنیاد شهید بابت حق پرستاری حدود ۵۳ هزار نفر است که یک هزار و ۲۰۰ نفر از جانبازان که عمدتاً جانبازان بالای ۷۰ درصد، حق پرستاری دریافت نکرده بودند که اکنون این مورد اصلاح شده است.

## معتادان متجاهری که تا چندی پیش با لباس‌های زنده و کثیف در کف خیابان زندگی می‌کردند، امروز در حالی که دیگر از آن چهره‌ها اثری نیست، تلاش می‌کنند تا از اعتیاد رها شده و با آموزش‌هایی که به آنها داده می‌شود به جامعه بازگردند

مدت کوتاهی در آنجا بودم، اما واقعا دوست داشتم بمیرم و در این مرکز نباشم، چرا که به شدت ما را کتک می‌زدند و مجبورمان می‌کردند با کتک ترک کنیم. نیما با اشاره به اتفاقاتی که بعد از فرار از مرکز ترک اعتیاد برایش افتاده است، تصریح می‌کند: چندین بار قصد خودکشی داشتم، اما موفق نشدم ۵ بار قصد کردم ترک کنم، اما باز هم نشد آخر هم در باغ آذری و شوش کارتن خوابی می‌کردم که سه ماه پیش بازداشت شده و به این جا آمدم و سه ماه است که تحت مشاوره و درمان اعتیاد هستم.

## معتادان برای کمپ‌های غیر مجاز منبع درآمد هستند

سعید هم جوان دیگری است که از کودکی درگیر اعتیاد شده است. او درباره شروع اعتیادش می‌گوید: مادرم که فوت شد پدرم ما را رها کرد و من تا ۶ سالگی با پدر بزرگ و مادر بزرگم بودم، اما بعد از فوت آنها از آنجا که کسی را نداشتم، آواره خیابان‌ها شدم و همان موقع بود که کم‌کم با مواد آشنا شدم.

وی ادامه می‌دهد: حدود ۱۵ سالم بود که توسط دایمی ام برای ترک اعتیاد به یکی از مراکز غیر مجاز ترک اعتیاد رفتم. در آنجا به ما به عنوان یک منبع درآمد نگاه می‌کردند و همیشه کاری می‌کردند که دوباره به سمت اعتیاد برویم تا دوباره به کمپ بازگردیم. از کمپ که بیرون می‌آمدم دوباره مصرف مواد را شروع می‌کردم و موادی را مصرف می‌کردم که حتی اسم‌شان را هم نمی‌دانستم.

افرادی که در مرکز سرورش حضور دارند، اگر چه قصه‌های مختلفی دارند، اما همه آنها افراد آسیب‌دیده‌ای هستند که نتوانستند در شرایط سخت زندگی تاب آورده و به اعتیاد کشیده شده‌اند و یا در خانواده‌هایی بودند که والدین‌شان نیز مواد مصرف می‌کردند و از همان کودکی با اعتیاد و مصرف مواد آشنا شده‌اند، بسیاری از آنها سال‌هاست که پنهانی جز خیابان نداشته‌اند و امروز تلاش می‌کنند تا از همه سروسیس بهداشتی را نداشته‌اند و اگر کسی مجبور به استفاده از سروسیس بهداشتی می‌شد صبح روز بعد به شدت تنبیه و تحقیر می‌شد. من

یکبار تصمیم گرفتم به زور ترک کنم، اما نشد و به جای تریاک به سراغ کوکابین رفتم. اما واقعا خسته شده‌ام و از مواد بیزارم و امیدوارم بالاخره بتوانم یک روز این مواد لعنتی را ترک کنم.

## با کتک مجبورمان می‌کردند ترک کنیم!

همه افرادی که در این مرکز حضور دارند، لباس‌های متحدالشکل بر تن داشته و البته با توجه به مدت حضورشان و اینکه جزء نیروهای خدماتی هستند، رنگ لباس‌هایشان متفاوت است. نیما جوان ۲۴ ساله‌ای است که از لباس زرد رنگی که بر تن دارد مشخص است از مددجویانی است که بیش از سه ماه از مدت حضورش در این مرکز می‌گذرد. او به دیوار تکیه داده و به برگه‌ای که در دست دارد با دقت نگاه می‌کند، از او می‌پرسم این کاغذ چیست، می‌گوید: لوح تقدیری است که برای سه ماه دوری از اعتیاد در این مرکز دریافت کرده‌ام.

می‌پرسم چند سال است که مصرف کننده‌ای توضیح می‌دهد: از ۱۷ سالگی مواد مصرف می‌کردم. آن زمان برادرم را به جرم قتل اعدام کرده بودند و پدرم هم بعد از فوت برادرم خودکشی و مادرم دوباره ازدواج کرد و شرایط خانواده‌مان اصلاً مناسب نبود. اولین بار قرص خوردم، اما کم‌کم شروع کردم به مصرف شیشه.

وی با بیان اینکه می‌خواستیم خلأهایم و جنگ اعصاب‌هایی را که در خانه داشتم با سرخوشی مواد پر کنیم، ادامه می‌دهد: برای اولین بار که خانواده‌ام متوجه شدند، اعتیاد دارم من را برای ترک به یک مرکز ترک اعتیاد فرستادند. آن زمان در آن مرکز هزینه هر نفر ۴۵۰ هزار تومان بود. حدود ۴۰ روزی در آن مرکز بودم، اما بعد فرار کردم. این مددجو درباره علت فرارش از مرکز ترک اعتیاد می‌گوید: آنجا از زندان هم بدتر بود. ساعت ۷ صبح از خواب بیدار می‌شدیم و پس از ورزش صبحانه می‌خوردیم که شامل مقداری نان خشک شده با پنیر مانده بود. پس از آن باید محل را نظافت می‌کردیم بعد از آن زمان صرف ناهار بود که شامل آب عدس و نان خشک شده بود. عصرها هم باید به صورت دو زانو نشسته و دوباره نظافت می‌کردیم و اگر کسی از این حالت خارج می‌شد، پرسنل کمپ او را کتک می‌زدند.

وی با بیان اینکه سال‌های آن مرکز ترک اعتیاد خصوصی فضای باز و هواخوری نداشت، خاطر نشان می‌کند: شب‌ها حق استفاده از سروسیس بهداشتی را نداشته‌اند و اگر کسی مجبور به استفاده از سروسیس بهداشتی می‌شد صبح روز بعد به شدت تنبیه و تحقیر می‌شد. من



اما تصمیم گرفتم ترک کنم و ترک هم کردم و بعد از آن ازدواج کردم و ۱۲ سال نیز پاک بودم.

ابوالفضل خاطر نشان می‌کند: بعد از ازدواج در خانه پدری‌ام ساکن شدیم و چون کرایه خانه نداشتیم، هیچ وقت به دنبال کار ثابت نبودم در حالی که همه به من می‌گفتند کسی که مواد را ترک می‌کند، باید سرکار برود تا دوباره به سراغ مواد مخدر نرود، اما من نه تنها به سرکار نرفتم بلکه دوباره مصرف مواد را شروع کردم.

وی ادامه می‌دهد: من از نظر مالی تامین بودم و همه خانواده حمایت می‌کردند و هیچ مشکلی نداشتم، اما سرکار نرفتم یعنی کار ثابت نداشتم و مدام شغل‌هایم را تغییر می‌دادم، در آخر هم این سرکار نرفتن کار

عباس به روی تختش نشسته و زانوهایش را در بغل گرفته است، از او می‌پرسم که آیا دوست دارد دوباره گذشته صحبت کنیم، می‌گوید: از چه بگویم؟ از ۱۸ سال عمرم که پای مصرف مواد رفت یا از کودکی‌ام که با یک پدر و مادر معتاد گذشت؟

وی ادامه می‌دهد: از ۱۵ سالگی مصرف مواد را در کنار پدر و مادرم شروع کردم و هر سه با هم تریاک مصرف می‌کردیم. بعد از مدتی ازدواج کردم، اما همسر نتوانست این شرایط را تحمل کند و با فرزندم من را ترک کردند. الان ۱۵ سال از آن روز می‌گذرد. بعد از فوت پدر و مادر هم حدود یکسالی است که کارتن خواب شده‌ام.

از عباس می‌پرسم آیا تصمیم دارد که اعتیادش را ترک کند، می‌گوید: حدود یک ماه پیش دستگیر شدم و مرا به مرکز سرورش آوردند. من تصمیم دارم ترک کنم، اما باز هم می‌ترسم، چون بیرون از اینجا نه حامی دارم و نه امید و نه حتی جایی برای ماندن.

قاسم در تخت دیگری در این سالن نشسته است و به ما می‌گوید: من ۲۰ سال است که اعتیاد دارم در بار اول که کارتن خوابی می‌کردم خیلی برابم سخت بود. مجبور بودم از سطل زباله غذا برای تامین کنم و شب‌ها کنار خیابان بخوابم، پاتوقم شده بود شوش، مولوی و راه آهن و ضایعات را جمع می‌کردم و از آن طریق هزینه‌هایم را تامین می‌کردم. ابوالفضل که دو دختر ۱۳ و ۱۱ ساله دارد، تصریح می‌کند: خداروزی مساکرتن خواب‌ها را هم می‌رساند، اما من نیت کردم تا زمانی که خوب نشوم از خدا خواستم حداقل ۲۴ ساعت پاک باشم و بعد در کمپ از دنیا بروم چون نمی‌خواهم در خیابان و در جوی آب بمیرم و از خدا می‌خواهم باور و امیدم را دوباره به من بازگرداند. دلم برای خانواده و همسر و فرزندانم تنگ شده است.

## کودکی‌ام با اعتیاد گذشت

در سالن دیگری از این مرکز

در مرکز نگهداری و ترک اعتیاد معتادان متجاهر چه می‌گذرد؟

## گذر از رنج‌ها و تلاش برای رهایی

همسر پیشرفت کرده بود به دلیل شرایط روحی درگیر اعتیاد شدم و پس از مرگ همسرم به افسردگی مبتلا شده و مصرف مواد را بیشتر کردم.

وی ادامه می‌دهد: از همان زمان که همسرم فوت شد، چون مستاصل بودم وقت زیادی را در پارک می‌گذراندم و تقریباً از همان موقع بود که کارتن خواب شدم و حدود ۵ سال را در این وضعیت گذراندم. گرچه می‌دانستم مواد چیز خوبی نیست، اما مصرف مواد من را آرام می‌کرد.

کامران درباره تامین هزینه مواد مخدرش توضیح می‌دهد: من به علت مصرف زیاد مواد و شرایط روحی که داشتم دیگر تمایلی نداشتم در خانه زندگی کنم و

مرکز مهر سرورش یا همان بازداشتگاه کهریزک سابق از بهمن‌ماه گذشته طی تفاهم‌نامه‌ای بین ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری و پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا و همکاری قوه قضاییه به مرکز نگهداری و بازپروری معتادان متجاهر یا همان کمپ ماده ۱۶ مهر سرورش تبدیل شد. این مرکز دارای بخش‌های پزشکی و مددکاری است و تمامی مددجویان تحت نظر پزشکان و مددکاران قرار دارند. همچنین برخی از مددجویان می‌توانند به شکل داوطلبانه برخی از امور مربوط به این مرکز را انجام دهند. در حال حاضر نیز حدود ۶۵۰ مددجو در آنجا حضور دارند. مددجویان این مرکز همان معتادان متجاهری هستند

همسرم پیشرفت کرده بود به دلیل شرایط روحی درگیر اعتیاد شدم و پس از مرگ همسرم به افسردگی مبتلا شده و مصرف مواد را بیشتر کردم.

وی ادامه می‌دهد: از همان زمان که همسرم فوت شد، چون مستاصل بودم وقت زیادی را در پارک می‌گذراندم و تقریباً از همان موقع بود که کارتن خواب شدم و حدود ۵ سال را در این وضعیت گذراندم. گرچه می‌دانستم مواد چیز خوبی نیست، اما مصرف مواد من را آرام می‌کرد.

کامران درباره تامین هزینه مواد مخدرش توضیح می‌دهد: من به علت مصرف زیاد مواد و شرایط روحی که داشتم دیگر تمایلی نداشتم در خانه زندگی کنم و



شب‌ها را در همان پارک سرکوجه می‌گذراندم. شاید باور نکنید اما قبل از اعتیادم راننده مدیرعامل یک شرکت بودم و ۴ واحد آپارتمان داشتم، اما از زمان شروع مصرف مواد در کوچه می‌خوابیدم و هرویین مونسم شده بود و هزینه تامین موادم را از کرایه خانه‌ام در می‌آوردم. این مددجو که حدود یک ماه است در مرکز مهر سرورش حضور دارد، خاطر نشان می‌کند: بارها و مددجویان این مرکز از روزگار سخت اعتیاد و کارتن خوابی در خیابان می‌گویند.

برای تهیه گزارش در یک روز گرم بهاری پس از طی یک مسافت طولانی و گذر از مسیرهای خاکی وارد مرکز مهر سرورش شدیم؛ یک مددجو که پیش شکسته است، در ورودی یکی از سالن‌ها به عیاشی تکیه داده و خودش را کامران معرفی می‌کند و می‌گوید: ۵۰ سال دارم و از حدود ۶ سال پیش که بیماری

از خدا خواستم ۲۴ ساعت قبل از مرگم پاک باشم

ابوالفضل کمی آنطرف‌تر ایستاده و به ما نگاه می‌کند و می‌گوید: شش سال است که کارتن خوابی می‌کنم. حدود ۸ سالی مصرف کننده بودم،

